

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۶۴

جمعه ۲۷ اسفند ۱۴۰۰ - ۱۸ مارس ۲۰۲۲



نوروزتان

پایروز

نوروزتان پیروز!

در این شماره انترناسیونال:

شماره صفحه:

۲ پیام نوروزی حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تا ۳ با اصغر کریمی: ایران در سال ۱۴۰۰

۷ و ۶ با حمید تقوایی: وضعیت جمهوری اسلامی در سایه جنگ اوکراین

۸ روسیه در استراتژی جمهوری اسلامی! محسن ابراهیمی

۹ آزادی دو تن از گروگانهای دو تابعیتی، و حواشی آن. کاظم نیکخواه

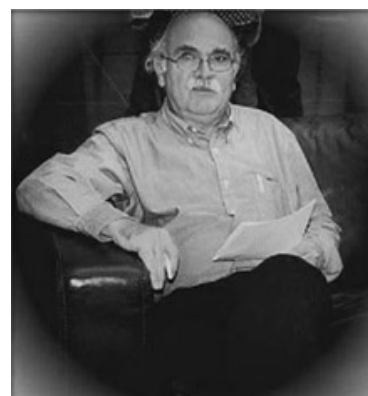
بودجه چند هزار میلیاردی برای "ساترا" سازمان سانسور حکومت. محمد

۱۰ شکوهی

۱۱ کنفرانس تشکیلات اسکاندیناوی حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد.

۱۳ و ۱۲ از مدیای اجتماعی حزب

۱۵ و ۱۴ اطلاعیه های حزب



پیام نوروزی حمید تقوایی
لیدر حزب کمونیست کارگری

فرارسیدن نوروز و سال نورا به همه مردم ایران شادباش میگویم. نوروز در جمهوری اسلامی جشن مردم در برابر حکومت عزا و ماتم است. مضمون و پیام جشن نوروز شادی و سرزندگی و شکوفائی بهاری است در برابر تحجر و رکود و جمود زمستانی که جمهوری اسلامی مظهر آنست.

این تقابل و مبارزه بین بالندگی زندگی و تباهی حکومت اسلامی در همه رویدادهای سال گذشته قابل مشاهده است. سال گذشته با خلع ید از کارفرمای هفت تپه و شعار اداره شورائی شروع شد، با "رای من سرنگونی است" ادامه یافت و با "مرگ بر پوتین و حامیاننش" خاتمه یافت.

در سالی که گذشت پیروزی کارگران نیشکر هفت تپه در مبارزه برای خلع ید کارفرمای فاسد خود، مبارزات سراسری کارگران نفت، تجمعات پرشکوه و مداوم معلمان و بازنشستگان در ده ها شهر، تجمع و تظاهرات توده ای و شورانگیز مردم خوزستان و اصفهان، و پیشرویهای چشمگیر جنبش دادخواهی در به محاکمه کشیدن ایادی و سران حکومت در دادگاههای بین المللی، از مهمترین دستاوردهای جنبش دفاع از زندگی و بالندگی بود.

نوروزتان پیروز!

۲۶ اسفند ۱۴۰۰



با اصغر کریمی: ایران در سال ۱۴۰۰ متن پیاده شده برنامه گفتگو از تلویزیون کانال جدید



سیما بهاری: سال گذشته در صحنه سیاست ایران چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح داخلی اتفاقات مهمی افتاد. جمهوری اسلامی در چندین دادگاه در کشورهای مختلف محکوم شد. محاکمه حمید نوری در سوئد آغاز شد. روسیه به اوکراین حمله نظامی کرد و طالبان به افغانستان بازگردانده شد. در سطح داخلی، رژیم با جنبش پر قدرت معلمان و اعتصابات و اعتراضات وسیع کارگران روبرو بود و اعتراضات مختلف اجتماعی در سطح جامعه، صحنه سیاست در ایران را تحت تأثیر قرار داد. در برنامه امروز همراه هستیم با اصغر کریمی و نگاهی می‌اندازیم به بعضی اتفاقات مهم.

انتخاب رئیسی

سیما بهاری: در ابتدا اشاره می‌کنم به انتخابات که رئیسی از صندوق انتخابات بیرون کشیده شد به عنوان رئیس جمهور. رئیسی کاملاً در جناح خامنه‌ای قرار دارد. این انتخابات یا این بیرون کشیدن رئیسی از صندوق انتخابات چه جایگاهی در موقعیت جمهوری اسلامی دارد؟ آیا رئیسی که عضو کمیته مرگ در دهه ۶۰ بود را آوردند که جامعه را بترسانند و ایجاد وحشت بکنند؟

اصغر کریمی: به نظر من رئیسی مظهر تمام‌نمای ضعف و زبونی و استیصال و ناتوانی‌های رژیم است، به این معنا من فکر نمی‌کنم که با آمدن رئیسی حکومت یکدست شد و یا میتواند جامعه را مرعوب کند. قالیباف هم رئیس مجلس شد و الان با بیت رهبری هم همگی در جناح خامنه‌ای قرار دارند. ظاهر مساله اینطور بنظر میرسد که دیگر اختلافاتشان تمام شده و این به نفع رژیم تمام شده است. اما اصلاً اینطور نیست. خود به اصطلاح انتخابات یکی از بی‌رونق‌ترین انتخابات‌های

در دهها جلسه این دادگاه است که به صحنه دادگاهی کردن و محاکمه کل حکومت تبدیل شده است. مورد دیگر دادگاه عالی انتاریو بود که جمهوری اسلامی را بخاطر شلیک عامدانه به هواپیمای مسافربری اوکراین محکوم کرد. جنایتی تاریخی که دنیا شاهد آن بود و تأثیر زیادی در بی‌آرویی بیشتر رژیم در سطح بین‌المللی داشت. دادگاه آبان نیز که در ماههای اخیر در دو نوبت برگزار شد تمرکزش روی جنایت جمهوری اسلامی در آبان ۹۸ بود و از این نظر جالب

بود که خانواده‌های زیادی از داخل ایران با اسم و رسم و بعضاً بصورت ویدیویی در این دادگاه علیه جنایات حکومت شهادت دادند. اهمیت دیگر این دادگاه این بود که برخی مقامات نظامی از جمله یک فرمانده بالای سپاه پاسداران در این دادگاه حضور یافتند و علیه حکومت افشاگری کردند و به عوامل حکومت از جمله وزارت اطلاعاتی‌ها فهماندند که هر آن ممکن است پرونده همه آنها توسط همکارانشان لو برود و این بی‌اعتمادی و ترس و وحشت زیادی در میان جنایتکاران حکومت می‌اندازد. لازم است اشاره کنم که قبل از این دادگاهها، نیروهای اپوزیسیون و مشخصاً حزب کمونیست کارگری اقدامات مهمی در زمینه محدود کردن و فراری دادن مقامات حکومت انجام داده بودند از جمله فراری دادن آیت‌الله شاهرودی از آلمان و قاضی منصوری و یا بهم زدن جلساتی که جنایتکاران حکومت در آنها حضور داشتند. اینها اهمیت سیاسی زیادی در محدود کردن حضور جمهوری اسلامی در خارج داشت. کل این مجموعه رژیم را در انظار جهانیان رسواتر و منفورتر کرد، جنبش دادخواهی را تقویت و کار دول غربی برای مماشات با حکومت را سخت

اسدالله اسدی، همینطور دادگاه آبان که در ماههای گذشته برگزار شد و دادگاه عالی انتاریو. اهمیت این دادگاه‌ها و محکومیت‌ها را چگونه ارزیابی میکنید؟

اصغر کریمی: یکی از اتفاقات جالب سال ۱۴۰۰ دادگاه‌هایی بود که علیه جمهوری اسلامی تشکیل شد. دادگاههایی که هر کدام نقش ویژه‌ای داشتند. اسدالله اسدی کاردار سفارت رژیم در اطریش بود که در بلژیک محاکمه و در اواخر سال ۱۳۹۹ به بیست سال زندان محکوم شد. اهمیت این دادگاه این بود که یک مقام سفارت که با سوء استفاده از مصونیت دیپلماتیک دست به اقدام تروریستی علیه اپوزیسیون میزند، دستگیر میشود و محکومیت سنگینی میگیرد و دنیا بیشتر متوجه میشود که اپوزیسیون حق دارد میگوید سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی مراکز ترورند. در مورد حمید نوری این اولین بار است که یک عامل جمهوری اسلامی که در دهه شصت در داخل کشور و نه کشوری دیگر مرتکب جنایت شده، در سوئد دستگیر و محاکمه میشود. اولین تأثیر این محاکمه ترس و وحشت سایر مقامات حکومت است که پرونده سنگینی از جنایت دارند و به راحتی جرات سفر به کشورهای دیگر را ندارند. نکته دوم شهادت خانواده‌های قربانی

هست ضعیف تر می‌کند و با توجه به همه اینها و علیرغم اینکه یک کابینه امنیتی را سر کار آوردند و یک جانی دیگر به اسم قالیباف هم رئیس مجلسشان شد ولی در عمل، مردم مرعوب نشدند و اعتراضاتشان را گسترش دادند. اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگران و معلمان و کشاورزان و بخش‌های مختلف مردم نه تنها کمتر نشد بلکه گسترش بیشتری یافت و تندتر و سازمانیافته‌تر شد. یک مترسکی به اسم رئیسی، در راس حکومت قرار گرفته که حتی خودی‌ها به سخنرانی‌هایش می‌خندند. مردم هم بیشتر متوجه شدند که حکومت توان سرکوب به شوه سابق را ندارد. در نتیجه سرعت آن خواص مثبت! رئیسی عملاً ضایع شد. امروز حکومتی تماماً یکدست ولی ضعیف‌تر و ناتوان‌تر در مقابل مردم قرار دارد. ما همان موقع گفتیم که شکاف در حکومت بیشتر میشود و همینطور هم شد الان شکاف در میان خود اصولگراها دارد تشدید میشود.

محاکمه جمهوری اسلامی

سیما بهاری: یک اتفاق قابل توجه دادگاهها و محاکماتی بود که علیه مقامات جمهوری اسلامی برگزار شد. محاکمه حمید نوری و محکومیت یکی از تروریستهای جمهوری اسلامی در بلژیک به اسم

ادامه از صفحه ۳

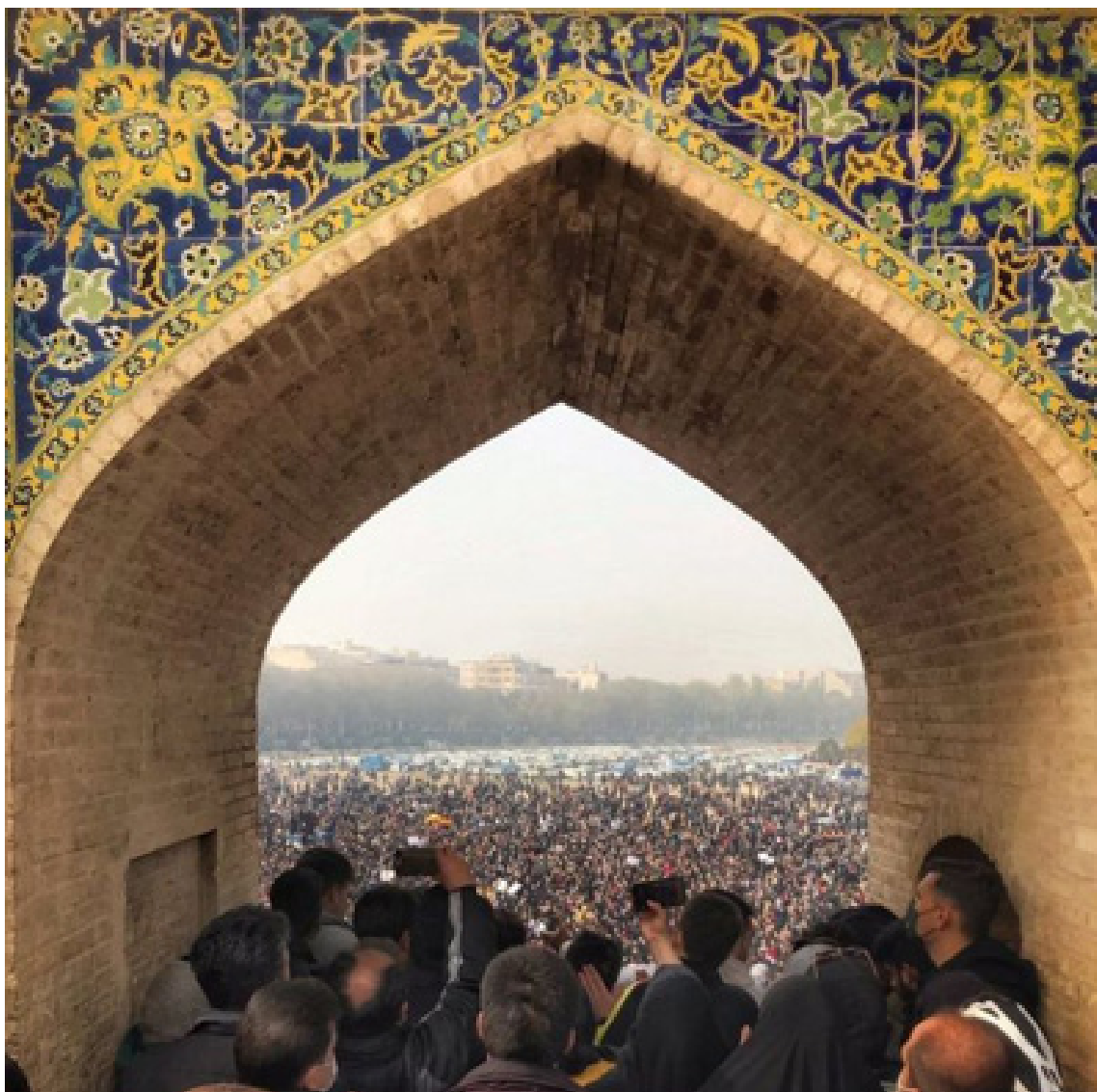
تر نمود. این دادگاهها مقدمه دادگاهی کردن سران حکومت در ایران است. عملی بودن چنین دادگاهی برای مردم ملموس تر شد.

جنبش دادخواهی

سیما بهاری: همینجا جا دارد در مورد پیشروی جنبش دادخواهی نظر شما را جویا شوم و مادران دادخواهی که مقابل دوربین و در آستانه انتخابات گفتند رای ما سرنگونی است، حکومت ایران را در چه موقعیتی قرار میدهد؟

اصغر کریمی: قبل از هر چیز باید درود فرستاد بر مادران و کل خانواده‌های دادخواه. در سال گذشته جنبش دادخواهی با قدرت بیشتر و با نیروی اجتماعی بیشتری به میدان آمد. دادخواهان دهه شصت با دادخواهان آبان ۹۸ و دادخواهان پرواز اوکراین همدیگر را پیدا کردند، دستشان را در دست هم گذاشتند و خیلی سیاسی‌تر نقش ایفا کردند. نه تنها خواهان محاکمه جنایتکارانی شدند که عزیزان آنها را گرفتند بلکه علنا خواهان سرنگونی حکومت شدند، در جریان انتخابات حکومت پرچم رای من سرنگونی است را بلند کردند، در دادگاه آبان با جسارت حضور یافتند، در دادگاه نوری که همچنان ادامه دارد فعالانه شهادت میدهند، به مناسبت‌های مختلف پیام میدهند، کنار هم قرار میگیرند مثل سالروز اعدام نوید افکاری یا به مناسبت همین نوروزی که در پیش داریم و یاد عزیزشان را گرمی میدارند. دادخواهان هوایمای اوکراین بسیار رزمنده وارد صحنه سیاست شدند و در مقابل مراکز حکومتی در تهران خواهان محاکمه بالاترین مقامات حکومت شدند. اینها بخش‌های مختلف جنبش دادخواهی است که به یکی از سرنگونی طلب‌ترین، سیاسی‌ترین و عادلانه‌ترین بخش‌های جنبش سرنگونی تبدیل شده است.

طالبان و تهاجم به اوکراین



سیما بهاری: قبل از پرداختن به اعتراضات کارگران و معلمان میخواهم از دو اعتراض مهم و گسترده دیگر نام ببرم و آن اعتراض مردم خوزستان و مردم اصفهان علیه مشکل آب است. در مورد میزان اجتماعی بودن آن و تأثیر آن بر فضای سیاسی جامعه به طور کلی چه میگویید؟

اصغر کریمی: اینها دو اعتراض قابل توجه و بزرگ و توده‌ای در سال ۱۴۰۰ بودند. در خوزستان اعتراض به مشکل آب شروع شد و به سرعت به اعتراضی سرنگونی طلبانه منجر شد. به شهرهای دیگر خوزستان کشیده شد و سراسر خوزستان را در برگرفت. جمهوری اسلامی ابتدا سعی کرد با وعده‌های

هستیم که زمینه‌هایش توسط ناتو و دول غربی فراهم شد. دولت روسیه در این جنگ بازنده است. از نظر سیاسی در سطح جهان منزوی و منفور شد و از نظر نظامی حتی اگر تمام اوکراین را اشغال کند و حکومت دست نشانده خود را هم سر کار بیاورد، پایدار نیست و این جامعه علیه روسیه بلند میشود همین الان هم بلند شده. تحریم‌ها و کل این اتفاق دولت روسیه را ضعیف‌تر میکند و جمهوری اسلامی که به قول علی مطهری مثل مستعمره روسیه ظاهر شد در این مساله زیان میبیند و در سطح بین‌المللی منزوی تر میشود. همین الان دعوای درونی حکومت در این مورد تشدید شده است.

اعتراضات خوزستان و اصفهان

این کشور را تحویل وحوش اسلامی دادند. افغانستان ده گام دیگر به عقب برگشت ولی زنان افغانستان که اولین قربانی این نظام هستند اولین نیرویی هم هستند که با جسارت به میدان آمدند و تحت حکومت طالبان خواهان آزادی و حق کار و تحصیل شدند. در سطح بین‌المللی نیز همبستگی میان فعالین زنان افغانستان و ایران شکل گرفت و این نیرو بیشتر دارد خودش را میشناساند، که از نظر سیاسی مهم است. این حکومت را دولت آمریکا سر کار آورد و سعی میکند آنرا در چهارچوب نفوذ خودش قرار بدهد و از این نظر دخالت جمهوری اسلامی را در این کشور کوتاه کند و از نظر سیاسی به زیان جمهوری اسلامی تمام میشود. در مورد اوکراین با یک جنایت جنگی از طرف دولت روسیه طرف

سیما بهاری: دو اتفاق مهم در خارج از مرزهای ایران به وقوع پیوست که به جمهوری اسلامی و موقعیت آن ربط دارد. یکی آمدن طالبان به صحنه سیاسی افغانستان و دیگری تهاجم روسیه به اوکراین. نگاه شما به این وقایع چگونه است؟

اصغر کریمی: اینجا فرصت نیست در مورد زمینه‌های این دو اتفاق صحبت کنیم و من فقط از زاویه‌ای که به جمهوری اسلامی مربوط میشود به نکاتی اشاره میکنم. قبل از هر چیز بگویم که هر دو اتفاق بسیار ناگوار هستند. دو جنایت اتفاق افتاد. در افغانستان اساسا دول غربی و مشخصا دولت آمریکا مسئول آن هستند و در اوکراین دولت روسیه در افغانستان دو دستی

ادامه از صفحه ۴

توخالی مردم را آرام کند اما دامنه اعتراض وسیع تر شد و جمهوری اسلامی با خشونت و بیرحمی مردم را سرکوب کرد و با جنایت و کشتار اعتراض را عقب راند. جالب این بود که در استانهای مانند تهران، آذربایجان، لرستان و اصفهان دست به تظاهرات در همبستگی با مردم خوزستان زدند. این یک خیزش سرنگونی طلبانه بود و نشان میداد که جامعه چگونه به مرحله انفجار رسیده است. در اصفهان اعتراض به شکل جالبی بروز کرد. اعتراض توسط کشاورزان شروع شد و بسرعت مردم اصفهان در ابعاد وسیعی به آن پیوستند. بستر زاینده رود به محل تجمع هر روزه مردم تبدیل شد. تجمع مردم به بیش از صد هزار نفر رسید و بستر زاینده رود با میدان التحریر مصر مقایسه شد. مردم جمع میشدند، غذا و چای و نوشیدنی برای تحسن کنندگان میاوردند و تجمعات به محل بحث و سخنرانی و همبستگی بیشتر تبدیل شد. در یک مورد که پشت بلندگو از خامنه‌ای اسم برده شد جمعیت یکپارچه هو کرد و در واقع مردم اعلام کردند که اجازه نمیدهند تجمع آنها به دفاع از حکومت و رهبر منفورش تبدیل شود. هر دو اعتراض از نظر سیاسی مهم بود. در اصفهان بویژه نوع جدیدی از اعتراض بود و تجمع هر روزه مردم ظرفی بود برای یک اعتراض عمومی. اینرا هم اشاره کنم که این اتفاق در دوره رئیسی بود و نشان میداد که دولت آیت‌الله قائل توان مقابله با شکل‌گیری تجمعات توده‌ای را ندارد.

اعتصابات و اعتراضات کارگران و معلمان

سیما بهاری: اعتصابات و اعتراضات کارگران، معلمان و بازنشستگان در سال جاری بی وقفه ادامه یافت. این اعتراضات چه پیشروی‌هایی را پشت سر گذاشت و چه تأثیری در فضای جامعه ایجاد کرد؟

اصغر کریمی: در جامعه‌ای که همه بشدت ناراضی هستند انواع و اقسام اعتراض شکل

میگیرد. در خوزستان و اصفهان بخاطر مشکل آب، پرستاران به شکلی دیگر، زنان علیه حجاب و بیحقوقی، جوانان علیه محرومیت و کارگران و معلمان هم به اشکالی دیگر اعتراض میکنند. میتوان گفت متشکل‌ترین اعتراض مربوط به کارگران اعم از کارگران مراکز تولیدی، معلمان و بازنشستگان است. کارگران هفت‌تپه در ادامه پنج سال مبارزه بی‌وقفه حکومت را وادار کردند از اسدیگی خلع ید کند و او را محاکمه کند، در شورای اسلامی را گل گرفتند و برخی از خواستهای خود را به حکومت تحمیل کردند. کارگران پروژه‌های نفت به مدت طولانی و در بیش از صد مرکز کارگری دست به اعتصاب زدند و یک محصول مهم این اعتصابات سربلند کردن شورای سازماندهی اعتراضات آنها بود که در نقش رهبر و سخنگوی این اعتصاب ظاهر شد. در هفتسج کارگران پروژه ای مجمع عمومی تشکیل دادند و نمایندگان خود را انتخاب کردند و این نشان میداد که گسترش و تداوم اعتصاب چگونه کارگران را متشکل‌تر میکند. بازنشستگان به تجمعات خود در سراسر کشور ادامه دادند از جمله در آخرین تجمعاتشان ۳۱ یا ۳۹ تشکیل بازنشستگان فراخوان تجمع دادند و در چندین شهر تجمع آنها شکل گرفت و هر هفته بویژه در خوزستان و اصفهان بازنشستگان فولاد تجمع میکنند. و بالاخره باید به اعتصابات و تجمعات بزرگ معلمان اشاره کرد که معلمان را در خط مقدم مبارزه مردم قرار داده است. این ادامه ۱۵ سال مبارزه آنها است اما از مهر امسال مبارزه معلمان وارد مرحله تازه ای شد. بطوریکه در عرض چند هفته تحصن و اعتصاب معلمان به بیش از سیصد شهر و روستا و تجمعات آنها به بیش از صد شهر رسید. تجمعاتی بزرگ با حضور فعال زنان معلم، سخنرانی‌های پرشور، بیانیه‌های رادیکال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و چهره‌های زیادی که جلو صحنه آمدند که اینهم یک دستاورد مهم آنها

بود، توجه جامعه را به خود جلب کردند، دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها را به تجمعات خود فراخواندند و در برخی شهرها شروع به تشکیل مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان خود کردند. این مجموعه معلمان را متحدتر و متشکل‌تر کرد و در صف اول جنبش آزادیخواهانه مردم قرار داد. معلمان فضای سیاسی و مبارزاتی جامعه را عوض کردند.

سرنوشت برجام

سیما بهاری: برجام پس از مذاکرات طولانی بار دیگر بنظر میرسد به بن‌بست رسیده است. ارزیابی‌تان از این مساله چیست؟

اصغر کریمی: بنظرم یک وقفه در روند مذاکرات ایجاد شده است. بخاطر تهاجم دولت روسیه به اوکراین و خواست روسیه که منافعش در ایران زیر سوال نرود و این موجب وقفه‌ای در مذاکرات برجام شده است. ولی کلا هم غرب خواهان به سرانجام رسیدن برجام است و هم جمهوری اسلامی شدیداً محتاج آن هرچند از نظر سیاسی در کمپ روسیه و چین قرار دارد اما وابستگی‌اش به کشورهای غربی تعیین کننده است. تکنولوژی و صنایع ایران نمیتواند از طریق روسیه یا چین به جایی برسد و جمهوری اسلامی علیرغم هارت و پورتنی که میکند و شعارهای ضد آمریکایی‌اش، ولی چاره‌ای جز یک نرمش قهرمانانه جدیتر در مقابل دولت‌های آمریکا و اروپا ندارد. اما برجام به جایی برسد یا نرسد، سهم مردم فقر و فلاکت و گرانی بیشتر است همینطور که توافقات چند سال قبل هم به فقر و بدبختی بیشتر مردم منجر شد. چون ریشه معضلات مردم خود جمهوری اسلامی و مافیای اقتصادی و نظام است. برجام به نتیجه برسد یا بی نتیجه بماند در هر دو حالت بحران حکومت را عمیق‌تر میکند و مبارزه مردم تشدید میشود در این شکی نباید داشت.

جنبش سرنگونی

سیما بهاری: حال نگاهی بیندازیم به جنبش سرنگونی. چه گامهایی برداشت، چه تحولی را در سال جاری تجربه کرد و چه فاکتورهایی در این زمینه برجسته است؟

اصغر کریمی: جنبش سرنگونی قوی‌تر، وسیع‌تر و منسجم‌تر شد. رادیکال‌تر و روشن‌تر و در یک کلام متعین‌تر شد. از خیزش مردم خوزستان تا اعتراضات مردم اصفهان علیه بی‌آبی و همبستگی که در سطح کشور با آنها شکل گرفت، جنبش دادخواهی تا اعتصابات کارگران و تجمعات معلمان و بازنشستگان و روحیه اعتراضی و شجاعانه زنان علیه حجاب و عمامه و بیحقوقی‌ها و نفرت عمومی از اسلام و مقدسات حکومتی، اینها مجموعه بهم پیوسته‌ای از جنبش سرنگونی است. اصفهان نمونه‌ای بود از اینکه چطور مردم شبکه‌هایشان گسترش یافت و متشکل شدند و همبستگی نشان دادند، یا کارگران هفت‌تپه و شورای سازماندهی کارگران نفت، بازنشستگان که تشکل‌های مختلفشان متحدانه‌تر عمل کردند، معلمان که صدها چهره به جامعه تحویل دادند. چهره‌هایی که در تجمعات معلمان سخنرانی میکنند و شعر میخوانند یا بیانیه قرائت میکنند. نقش بارز معلمان زن یکی از جلوه‌های باشکوه مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران است و نشان میدهد که فردا که انقلاب شروع میشود مردم چقدر سخنران و آذیتانورهای روشن و آماده و عدالت‌طلب دارند. و هر روز که میگذرد معلمان رهبران رادیکال‌تری را به صحنه میاورند. کسانی که توهماتی داشتند حاشیه‌ای‌تر میشوند و یا آنها هم رادیکال‌تر و تندتر میشوند. همه اینها اجزاء جنبش سرنگونی است که همبسته‌تر از سالهای قبل، متحدتر، آگاهتر و متشکل‌تر است.

مردم ناتوانی حکومت و انزوای بین‌المللی‌اش را میبینند، فقر و فلاکت و گرانی که هر روز تشدید میشود را میبینند و حکومتی را میبینند در اوج

ناتوانی و این مجموعه جامعه را در آستانه یک انقلاب عظیم اجتماعی قرار داده است. شخصا بسیار خوشبینم که جامعه اینبار بسوی یک خیزش توده‌ای و سی میلیونی مردم گرسنه میرود اما اینبار با مبارزات و بخش‌هایی که متعین و متشکل هستند و رهبرانی که میداند چه میگویند. ما با یک شورش کور روبرو نخواهیم بود.

پیام به مردم ایران

سیما بهاری: و بالاخره در آستانه سال ۱۴۰۱ قرار داریم. پیامتان به مردم ایران چیست؟

اصغر کریمی: علیرغم فقر و محرومیت و سفره‌های خالی مردم مخصوصاً در روزهای عید، مردم تلاش میکنند شاد باشند و از هر فرصتی برای شادی بچه‌هایشان استفاده می‌کنند. این آن روحیه زنده و پویای جامعه ایران است. همبستگی وسیعی در میان مردم، خواست واحد سرنگونی، نفرت از حکومت و ایدئولوژی و خرافاتش و این فضای اعتراضی که توضیح دادم اینها جامعه را در موقعیت جدیدی در مقابل رژیم قرار داده است و این روحیه‌ای رزمنده و امیدوار در جامعه ایجاد کرده و من اینجا میخواهم تاکید کنم که علیرغم همه اعتراضات و تشکل‌ها و پیشروی‌ها مردم به یک تشکل سیاسی، یک حزب سیاسی که آرمانها و خواست‌هایشان را نمایندگی کنند نیاز دارند.

فراخوانم به مردم در سال جدید این است که هرچه بیشتر و گسترده‌تر به حزب خودشان، حزب کمونیست کارگری بپیوندند که آرزوهای مردم را نمایندگی میکند و تضمینی برای پیروزی مردم در مقابل جمهوری اسلامی و شکل دادن به جامعه‌ای انسانی، برابر و آزاد و رفاه همگانی است. پیشاپیش سال جدید را به همه مردم آزاده صمیمانه تبریک میگویم.

۱۷ مارس ۲۰۲۲

وضعیت جمهوری اسلامی در سایه جنگ اوکراین این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



خلیل کیوان: تهاجم روسیه به اوکراین پیامدهای بسیاری برای کشورهای مختلف در صحنه جهانی و همینطور در منطقه داشته است. در این مصاحبه به تأثیرات این جنگ بر موقعیت جمهوری اسلامی میپردازیم.

حمید تقوایی این جنگ قطعا تأثیرات زیادی بر صحنه سیاسی بین المللی خواهد داشت. در این میان جمهوری اسلامی نیز که متحد روسیه است از نتایج و تبعات جنگ بری نخواهد بود. شما این صحنه را چطور می بینید؟ این جنگ چه تأثیراتی بر جمهوری اسلامی در صحنه سیاسی ایران و همینطور موقعیت بین المللی اش خواهد داشت؟

حمید تقوایی: این جنگ باعث شده است که دولت روسیه و مشخصا پوتین تحت فشارهای شدید بین المللی قرار بگیرد. هم از نظر اقتصادی در اثر تحریم ها و هم از نظر سیاسی و کلا اجتماعی به عنوان یک حکومت مهاجم به یک کشور کوچکتر همسایه با پرونده سنگینی از جنایتهای جنگی که در این سه هفته مرتکب شده است. علاوه بر تحریمهای اقتصادی اکثر قریب به اتفاق کشورهای سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی حمله روسیه به اوکراین را محکوم کرده اند و افکار عمومی دنیا نیز علیه این جنگ است. این شرایط باعث میشود که پوتین در یک موقعیت کاملا ضعیفتری از گذشته قرار بگیرد و طبیعا این بر موقعیت جمهوری اسلامی تأثیر مستقیمی خواهد داشت.

اوکراین رای ممتنع داد ولی علنا دولت آمریکا و ناتو را مسئول جنگ میدانند و از پوتین دفاع میکنند. مجموعه این شرایط بنظر من باعث میشود که سرنوشت جمهوری اسلامی و پوتین در این جنگ به هم گره بخورد. با توجه به اینکه در اثر این جنگ موقعیت پوتین بسیار منزوی تر و ضعیفتر از گذشته شده است جمهوری اسلامی هم با ضعف و انزوای بیشتری مواجه خواهد شد.

خلیل کیوان: کارشناسان و تحلیلگران سیاسی تا اینجا از شکست استراتژیک پوتین در این جنگ صحبت میکنند. ناظرین سیاسی میگویند که حتی اگر پوتین به پیروزی های نظامی دست پیدا کند مثلا کی یف و شهرهای بزرگ را هم تسخیر کند فی الحال از نظر سیاسی شکست خورده است. این شکست چه پیامدهایی برای جمهوری اسلامی در سطح بین المللی، در منطقه و در خود ایران دارد؟

حمید تقوایی: این شکست، شکست جمهوری اسلامی هم خواهد بود. تا قبل از این حمله به اوکراین، جمهوری اسلامی تحت فشار تحریم های اقتصادی سر میز مذاکره رفته بود به امید اینکه برجام را احیا کنند. اقتصاد جمهوری اسلامی از هم پاشیده است و نیاز فوری دارد که نه تنها تحریمها برداشته بشود بلکه به نحوی به بازار اروپا و غرب راه پیدا کند. امروز پوتین

هم به همین سرنوشت دچار شده است. تحریمهایی که روی روسیه است بسیار شدیدتر از تحریمهایی است که ترامپ علیه جمهوری اسلامی وضع کرده بود. بجز دولت آمریکا و اتحادیه اروپا، ۷ دولت دیگر نیز روسیه را تحریم کرده اند. علاوه بیش از سیصد شرکت بزرگ بین المللی نیز فعالیتهایشان در روسیه را متوقف کرده اند. به این ترتیب آن نیرو و قطبی که جمهوری اسلامی امیدوار بود که با اتکا به آن بتواند امتیازات بیشتری از غرب بگیرد، بتواند به بازار جهانی برگردد، خود آن قطب هم الان تحت انواع فشارهای اقتصادی است. به این معنا از نظر اقتصادی این شکست، شکست جمهوری اسلامی هم هست.

از نظر سیاسی هم همانطور که شما اشاره کردید فی الحال این جنگ را پوتین باخته است و جمهوری اسلامی هم از این نظر منزوی تر و ضعیف تر خواهد شد. جمهوری اسلامی بخصوص در سیاستهای خارجی اش، رابطه اش با غرب و در روابط اش با دیگر کشورهای منطقه و غیره به نوعی به روسیه متکی است و ازینرو در موقعیت ضعیف تری در مقایسه با شرایط قبل از جنگ قرار خواهد گرفت.

مجموعه اینها نشان میدهد هر چقدر پوتین در این جنگ رو به سرایشب شکست برود، هر قدر موقعیت بین المللی اش بیشتر تضعیف بشود، از نظر اقتصادی

بیشتر تحت فشار قرار بگیرد، از نظر دیپلماتیک هرچه منزوی تر بشود، این بیشتر به ضرر جمهوری اسلامی خواهد بود چون او هم همین سیر نزولی را طی خواهد کرد. حال اگر توجه کنید که جمهوری اسلامی حتی قبل از حمله به اوکراین از نظر اقتصادی، سیاسی و منطقه ای در موقعیت ضعیفی قرار داشت متوجه میشوید که این ضربه، ضربه سختی برای جمهوری اسلامی خواهد بود. من فکر میکنم یکی از بازنده های جنگ اوکراین، جمهوری اسلامی است.

خلیل کیوان: دیدیم که سایه این جنگ روی برجام هم گسترده شد، کرملمین ادامه مذاکرات برجام را منوط به این کرد که منافعی تامین بشود و از آمریکا خواسته بود که تضمین بدهد در صورت توافق بر روی برجام اجرای تحریم های تازه ای علیه روسیه بکار برده نمیشود و همکاری تجاری اش با ایران تحت تأثیر این مسئله قرار نمیگیرد و نکاتی از این دست. آیا این گروکشی کرملمین واقعا بخاطر تضمین تجاری با جمهوری اسلامی بوده یا منافع دیگری را دنبال میکرده است؟

حمید تقوایی: من فکر میکنم تنها قالب و فرم طرح مساله اقتصادی است. روسیه موضع خودش را در این چارچوب بیان کرده که تحریمها علیه روسیه نباید به برجام تسری پیدا کند و روسیه بتواند ارتباط

اقتصادی اش را با جمهوری اسلامی همچنان حفظ کند. این چهارچوب طرح مساله است ولی به نظر من علت واقعی این نیست. من فکر نمیکنم رابطه اقتصادی با جمهوری اسلامی چنان تأثیری بر انزوای جهانی و تحریم اقتصادی پوتین در سطح دنیا بگذارد که بتواند حتی آنرا تخفیف بدهد. روسیه از نظر اقتصادی، به خصوص صادرات نفت و گاز، اساسا به رابطه با اروپا و جهان غرب نیازمند است و نه با جمهوری اسلامی. میخواهم بگویم از نظر اقتصادی گرچه بالاخره اگر برجام را مشمول این تحریم ها نکنند امتیازی برای روسیه محسوب میشود ولی دردی از نظر اقتصادی از روسیه دوا نخواهد کرد. مانع تراشی اخیر روسیه بر سر راه برجام به نظر من اساسا سیاسی است. روسیه به این ترتیب دارد اعلام میکند که چون ما را تحریم کردید ما پای توافقاتی که با غرب داشتیم نمی ایستیم. دارد به یک نحوی جواب تحریمهای غرب را میدهد و با متوقف کردن عملی برجام در واقع در مقابل غرب قدرتنمایی میکند. شرط هایی مطرح کرده که برجام عملا معلق بشود. از سوی دیگر مقامات آمریکا مدام تکرار کرده اند که تحریمهای اقتصادی به برجام بی ربط است. حتی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه میگوید که این را کتبا هم به ما گفته اند که ما برجام را مشمول این تحریم های اقتصادی بین المللی نمی دانیم. این بحث هم مطرح است که ممکن است دولت آمریکا و کشورهای اروپائی راه دیگری برای برجام بدون روسیه پیدا کنند. در هر حال سرنوشت برجام هر چه باشد این مانور روسیه قرار است این پیام را به غرب بدهد که یک نتیجه منفی تحریمهای اقتصادی علیه روسیه به هم خوردن قراردادها و تعهدات بین المللی است.

خلیل کیوان: مساله دیگر سیاستهای منطقه ای روسیه و

ادامه از صفحه ۶

و تضعیف جمهوری اسلامی منجر خواهد شد.

خلیل کیوان: شکست پوتین و یا کوتاه آمدنش در اوکراین چه تاثیری بر موقعیت جمهوری اسلامی در سوریه خواهد داشت؟

حمید تقوائی: تاثیر شکست پوتین این خواهد بود که جمهوری اسلامی در سوریه و کل منطقه موقعیت ضعیفتری پیدا خواهد کرد. کلا بعد از این جنگ روسیه دیگر آن وزنی که در خاورمیانه داشت را از دست خواهد داد و به همین دلیل جمهوری اسلامی نیاز خیلی بیشتری پیدا خواهد کرد که هر چه سریعتر با غرب به توافق برسد.

این را هم بگویم که هر اتفاقی بیفتد جمهوری اسلامی از رتوریک و تبلیغات و گفتمان ضد آمریکایی اش دست نخواهد شست. این جزیی از ماهیت حکومت است. این جنگ و پیامدهایش تناقض بین تبلیغات و پروپاگاندا ضد غربی جمهوری اسلامی با سیاست عملی که مجبور است در دنیا دنبال کند را بیشتر میکند و در نتیجه دعوای و کشمکش های بین جناحها هم گسترش پیدا خواهد کرد. این هم یکی دیگر از عوارض جنگ اوکراین برای جمهوری اسلامی خواهد بود.

خلیل کیوان: طی روزهای گذشته حملات موشکی از سوی سپاه به اربیل در کردستان عراق انجام گرفت. بهانه جمهوری اسلامی این بود که در آنجا اسرائیلی ها مخفیانه حضور دارند. آیا این بهانه ای که میآورند واقعی است یا رابطه ای بین این موشک پراکنی و جنگ در اوکراین دیده میشود؟

حمید تقوائی: به نظر من این موشک پراکنی های اخیر ربط چندانی به جنگ اوکراین ندارد. قبل از هر چیز اینکه به مقر اسرائیل حمله کرده اند پوچ است. اسرائیل مقرر در اربیل ندارد. جمهوری اسلامی هر تعرضی به هر کشوری در منطقه میکند بنحوی پای اسرائیل را هم به میان میکشد که حمله اش را توجیه کند.

حمله اخیر به اربیل یک نوع تلاش برای تاثیر گذاری بر شرایط سیاسی در عراق است که بویژه در یکساله اخیر مدام به ضرر جمهوری اسلامی در حال تغییر بوده است. در این مورد معین این بیشتر به یک قدرت نمایی از سر ضعف، به یک نوع قدرت نمایی دون کیشوت مابانه شبیه است. اسرائیل اخیرا با پهباد به تاسیسات نظامی جمهوری اسلامی در کرمانشاه حمله کرد و یا در سوریه در اثر حمله اسرائیل دو افسر سپاه جمهوری اسلامی کشته شدند. ظاهرا حمله موشکی به اربیل به جبران این حملات صورت گرفته اما نتیجه اش تنها وارد کردن خسارت به ساختمانی بوده است که هیچ ربطی با اسرائیل نداشته! این یک نوع انتقام گیری دون کیشوت مابانه است که بیشتر ضعف جمهوری اسلامی را به نمایش میگذارد.

به نظر من علت دیگر این حملات موشکی جمهوری اسلامی، علاوه بر اعاده موقعیت از دست رفته اش در عراق، اینست که شرایطی که مشغول مذاکره برجام هستند میخواهند به غرب نشان بدهند که هنوز قادریم که با موشکهای دوربرد به کشورهای همسایه ضرب شست نشان بدهیم، هنوز در منطقه مطرح هستیم و امیدوارند این بر سر میز مذاکرات وین که بنوعی به بن بست رسیده است و کلا در رابطه با غرب ابرازی بشود برای امتیازگیری بیشتر.

خلیل کیوان: برویم سراغ جناح بندی ها در حکومت. به نظر شما جنگ اوکراین چه تاثیری بر رابطه باندهای حکومتی با یکدیگر خواهد داشت؟

حمید تقوائی: در اثر جنگ اوکراین مساله رابطه با غرب که یکی از محورهای همیشگی اختلاف در میان باندهای حکومتی بوده به شکل حادثی مطرح میشود.

از زمان رفسنجانی و حتی از زمان بنی صدر این مساله چگونگی رابطه با غرب و مشخصا آمریکا همیشه یکی از مسائل مورد اختلاف دسته بندی های حکومت بوده است. از یکسو بطور واقعی، از نظر

اقتصادی و از نظر حتی سیاست بین المللی جمهوری اسلامی نیازمند رابطه با غرب است و از سوی دیگر نمیتواند از سیاست و گفتمان و رتوریک ضد غربی و ضد آمریکائی اش دست بکشد چرا که این به معنی نفی هویت ایدئولوژیک - استراتژیکش خواهد بود. تعلق جمهوری اسلامی به بلوک روسیه منطبق بر هویت غرب ستیزانه او است اما این امر هر روز به وزنه سنگین تری بر پای اقتصاد بحران زده حکومت تبدیل میشود. این یک مساله واقعی است و هر چه بیشتر حکومت بطرف سقوط میرود - که امروز از نظر اقتصادی و سیاسی همه شان این را پیش بینی میکنند - ضرورت برقراری رابطه با غرب بیشتر به محور دعوای داخلی حکومت تبدیل میشود.

هفته پیش یکی از اقتصاد دانان حکومت گفته بود که این لوکوموتیو دارد به ته دره میرود. منظورش از نظر اقتصادی و گرانی ها و تورمی بود که در جامعه حاکم شده است و با نرخ سرسام آوری افزایش پیدا میکند. همه شان می بینند که جامعه در حال انفجار است و این واقعیت را هم میدانند که بالاخره ناکزیرند به نحوی با غرب کنار بیایند. حتی مقامات دست اندر کار دولت فعلی، دولت رئیسی که تماما خط امامی است، از این صحبت میکنند که ما داریم ورشکسته میشویم، داریم به ته دره میرویم و باید راه حلی پیدا کرد. معلوم است که این راه حل رابطه با چین و روسیه نیست.

از نظر اقتصادی چین و روسیه نمیتوانند جمهوری اسلامی را نجات بدهند. اگر می توانستند در این مدتی که برجام به این ترتیب کنار زده شده بود و تحریم های اقتصادی تشدید شده بود باید به داد جمهوری اسلامی میرسیدند. در این دوره بیرون آمدن آمریکا از برجام و تشدید تحریمها بر همه حکومتی ها از هر دو جناح معلوم شد که با طنب روسیه و چین نمیشود ته چاه رفت. این امر، با جنگ اوکراین که خود روسیه را نیز با تحریم و بحران اقتصادی شدیدی مواجه کرده است، بیش از پیش به جمهوری اسلامی می فهماند

حمله جمهوری اسلامی به اربیل یک توطئه است که با هدف تضعیف جمهوری اسلامی در سوریه و ایجاد تنش ها، اختلافات، درگیری های جناح ها همیشه این بوده و امروز بیشتر از گذشته اینطور است. با تضعیف پوتین در اثر جنگ اوکراین گفتمان نزدیکی با غرب در میان صفوف حکومت تقویت میشود و این تناقضی که همیشه حکومت با آن مواجه بوده است تشدید خواهد شد.

خلیل کیوان: با این حساب میشود گفت که جناح بندی ها به این صورت است که یک عده شان روسو فیلی اند و یک عده شان آمریکایی؟

حمید تقوائی: بله میتوان به این عنوان از دسته بندهای حکومت نام برد منتهی باید توجه داشت که همانطور که اشاره کردم تعلق به بلوک روسیه خط غالب و هویتی و اساسی جمهوری اسلامی است. تا به آن حد که خط مقابل هم جرات نمیکند خودش را طرفدار کمپ غرب معرفی کند بلکه بیشتر خودش را در مقابل روسیه تعریف میکند. مثلا انتقادش به جناح روسوفیل در این سطح است که شعار نه شرقی نه غربی را کنار گذاشته اید و ما را به مستعمره روسیه بدل کرده اید و غیره. در جمهوری اسلامی هیچ مقامی نمیتواند صریحا از نزدیکی با آمریکا حرف بزند. این تاکید بر نه شرقی نه غربی صورت ظاهر تاکید بر روی آوری به غرب است. بدنبال جنگ اوکراین خط نزدیکی به غرب تقویت خواهد شد و زبان تعرضی تر و صریح تری پیدا خواهد کرد.

۱۶ مارس ۲۲

باتشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

روسیه در استراتژی جمهوری اسلامی!



محسن ابراهیمی

حکومت‌های مستبد مثل جمهوری اسلامی ممکن است بتوانند در شکاف میان دولت‌ها و رقابت‌های جهانی از جایی آویزان شوند اما وقتی نیرویی عظیم بر پاهای آویزان چنین حکومتی چنگ بزند و به پایین بکشد، هیچ ابرقدرتی نمیتواند نجاتشان بدهد چه رسد به پوتین که سرنوشت سیاسی خودش در هوا معلق است.

هرکس به امواج اعتراضات تعطیل ناپذیر فقط پنج سال گذشته نگاه کند؛ هرکس آرمانها و آرزوها و خواسته‌ها و شعارهای انسانی و رادیکال جنبشهای اعتراضی در ایران را ببیند؛ هرکس فقط لحظاتی به عمق آزادیخواهی، عمق برابری خواهی، به گستردگی و رزمندگی این اعتراضات خیره شود، خواهد دید که جنبشی بزرگ در ایران در حال قدرت گرفتن است که اولین هدفش سرنگونی کامل حکومت اسلامی است. این سرنوشت گریزناپذیر جمهوری اسلامی است. سرنوشتی که در مقابلش از ده تا پوتین هم کاری ساخته نیست.

۱۷ مارس ۲۰۲۲

استراتژیک در نظر بگیرند که موجودیت خودش روی هوا است. به این معنا هیئت حاکمه روسیه در سیاست خارجی (منطقه‌ای و جهانی)، روی جمهوری اسلامی به مثابه یک سرباز پیاده در شطرنج سیاسی این مقطع جهان حساب میکند. مهره‌ای که بسته به شرایط و بازی طرف مقابل حرکتش میدهد.

برای مثال، منافع استراتژیک روسیه در رقابت‌های به فرجام نرسیده جهانی و منطقه‌ای ایجاب می‌کند که به هر قیمتی شده بشار اسد را در قدرت نگه دارد. وقتی از زینبیه و فاطمیه و محافظان حرم حکومت اسلامی در نقش پیاده نظام استفاده اش را کرد، آسمان سوریه را باز گذاشت تا نیروی هوایی اسرائیل چپ و راست سردار سپاه در خاک سوریه سر به نیست کند.

در ماجرای برجام هم دقیقاً همین رفتار را کرد. عملاً در نقش نماینده حکومت اسلامی در برجام ظاهر شد. نبض برجام را بدست گرفت. و به محض اینکه در مناقشه با غرب در جنگ اوکراین نیاز پیدا کرد، مذاکرات برجام را که جمهوری اسلامی بشدت نیاز دارد به جایی برساند گروگان گرفت تا از امریکا امتیاز بگیرد.

تکرار اینکه "جهان در حال گذار از یک پیچ تاریخی بسیار مهم است و انتظار می‌رود که نظمی نوین در حال تولد یافتن باشد" دارد به خودش قوت قلب میدهد. ظاهراً وقتی تاریخ از این پیچ گذر کند، شرق یعنی چین و اساساً روسیه بر غرب پیروز خواهند شد و رمز بقای جمهوری اسلامی در این است که خودش را آنچنان محکم به دم این "شرق" ببندد که بتواند بعد از گذر از پیچ در "نظم نوین" برای خود جایی داشته باشد. خامنه‌ای ابلهانه تصور میکند تهاجم نظامی پوتین به اوکراین نشانه گذر از این "پیچ تاریخی" است.

جمهوری اسلامی همه تخم مرغ هایش را در سبد پوتین گذاشته است چون در استراتژی باقی‌مانده روسیه نقش محوری را ایفا می‌کند. قابل درک است که یک حکومت متزلزل روی حکومتی در همسایگی حساب استراتژیک باز کند که تصور میکند در "نظم نوین" به مثابه یک قطب تعیین کننده نقش خواهد داشت.

برعکس، در استراتژی پوتین جمهوری اسلامی در بهترین حالت یک ابزار سیاسی تاکتیکی است. به این دلیل ساده که آنقدر احمق نیستند که حکومتی را شریک

از "عملیات ویژه" پوتین تقدیر کرد. و بالاخره خود خامنه‌ای طوری حرف زد که انگار این آمریکا است که به اوکراین تهاجم کرده است. بعد مثل همیشه نوبت گله امامان جمعه رسید که هر چه ولی فقیه گفته بود نشخوار کردند و بالاخره رئیس دفتر خامنه‌ای آنقدر پیش رفت که آرزو کند هجوم نظامی به اوکراین زمینه ظهور امام زمان را فراهم خواهد کرد: "در جنگ اوکراین نقشه داشتند روسیه را گرفتار کنند. رئیس جمهور روسیه آدم زرنگی بود و پیش دستی کرد. انشاء الله این مقدمه ظهور حضرت ولی عصر خواهد بود."

اینها همه شواهد دیگری هستند که نشان میدهند جمهوری اسلامی همه تخم مرغ هایش را در سبد پوتین گذاشته است. سؤال این است که هدف از این درجه توسل و توکل به پوتین چیست و آیا آن هدف متحقق خواهد شد؟

مساله این است که در محاسبات سیاسی جمهوری اسلامی، روی حمایت پوتین به مثابه فاکتور اصلی برای بقای سیاسی حساب باز شده است. "استراتژی نگاه به شرق" قالب فضل فروشانه این نیاز سیاسی عاجل است. ده سال است که خامنه‌ای با

سران جمهوری اسلامی از تهاجم نظامی روسیه به اوکراین ذوق زده شدند. تصور می‌کردند حمله به اوکراین با پیروزی سریع پوتین به سرانجام خواهد رسید، قدرت نمایی نظامی پوتین در مقابل غرب به تحکیم موقعیت او منجر خواهد شد و لابد تقویت روسیه به عنوان حامی جمهوری اسلامی میتواند برای موقعیت نابسامان این حکومت در منطقه و به تبع آن داخل فرجی حاصل کند. با این ارزیابی و آرزو بود که سران جمهوری اسلامی به پادوی ماشین تبلیغاتی ولادیمیر پوتین در تهاجم به اوکراین تبدیل شدند.

اول رئیسی بود که علیرغم رفتار تحقیر آمیز که در سفر به روسیه تحویل گرفت، ارباب را مطلع کرد که تجاوز نظامیش "قابل درک" است. همزمان کیهان شریعتمداری

ماهوره یاه ست

ماهوره یوتلست

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس: ۱۱۷۶۶

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

پولاریزاسیون: عمودی

پخش زنده آنلاین:



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

آزادی دو تن از گروگانهای دو تابعیتی، و حواشی آن



کازم نیکخواه

یک خبر داغ این روزها آزادی نازنین راتکیلف و انوشه آشوری دوتن از دو تابعیتی های گروگان گرفته شده در ایران بود. نازنین راتکیلف نزدیک به شش سال در ایران زندانی بود و به اتهام جاسوسی برای دولتهای غربی به پنج سال زندان محکوم شده بود. انوشه آشوری نیز به اتهام جاسوسی برای موساد و اسرائیل به ده سال زندان و به اتهام "تحصیل نامشروع مالی" به دو سال محکوم شده بود و نزدیک به پنج سال در ایران زندانی بود. این دو روز چهارشنبه ۱۶ مارس از زندان آزاد شدند و همان روزاز تهران به لندن پرواز کردند. آنها اتهامات وارده را قویا مردود اعلام کرده اند و خود را گروگانهای حکومت اسلامی با اهداف مالی و سیاسی بین المللی میدانند.

آزادی نازنین زاغری و انوشه آشوری خبرهایی مسرت بخش است. به خانواده و بستگان و دوستان آنها شادباش میگوییم. هر تک نفری که از چنگال دیو منفور اسلامی خلاص شود بسیار خوشحال کننده است.

اولین نکته ای که باید فوراً یادآوری کنیم اینست که از میان دو تابعیتی های زندانی در ایران هنوز شماری آزاد نشده اند. از جمله میتوان از این افراد اسم برد: مهران رئوف، مراد طاهباز، سیامک نمازی، باقر نمازی، عماد شرقی و همچنین ناهید تقوی، مسعود مصاحب، کامران قادری، احمد رضا

جلالی، فریبا عدالتخواه و همسرش رولان مارشال، و شکرالله جبلی.

اینکه چه تحولاتی باعث شد که جمهوری اسلامی به آزادی نازنین زاغری که نامش بسیار در رسانه ها مطرح بود و انوشه آشوری رضایت داد بحث دیگری است که در جای دیگری به آن خواهیم پرداخت. اما بطور خلاصه باید گفت باز هم جنگ به کمک جمهوری اسلامی آمد. این بار جنگ اوکراین بود که باعث شد غرب نیاز فوری برای نفت و گاز ایران پیدا کند و تلاش نماید به هر شکل شده با حکومت اسلامی به توافق برسد و راه صدور نفت و گاز جمهوری اسلامی را باز نماید و همین زمینه را برای آزادی گروگانها نیز هموار نمود. گویا با دولت ونزوئلا هم به همین دلیل در حال مذاکره هستند.

به این ترتیب عجلالتا اوضاع دارد به سمتی میرود که بحران بین المللی حکومت اسلامی تخفیف یابد. اما مشکل این حکومت همانگونه

که بارها تاکید کرده ایم به این سادگی ها حل بشو نیست. هویت جمهوری اسلامی با گروگانگیری و تروریسم و بحران تعریف شده است. این حکومتی است که خودش را نمیتواند سر پا نگه دارد اما میخواهد کشور اسرائیل را از صحنه گیتی محو کند، آمریکا را سر جای خود بنشانند و دنیا را با اسلام خمینی فتح نمایند! اینها همه گرچه شعارهایی پوچ و مضحک است، اما در واقع منشأ جنگها و جدالها و بحرانهای پیاپی حکومت اسلامی است. در عین حال اینها برای حکومت هویتی است و امکان دست شستن از آنها هم برایش وجود ندارد. چونکه صفوفش در داخل و هواداران اسلامیش در کشورهای منطقه با همین شعارها یعنی با ضد آمریکائی گری و سیاست نابودی اسرائیل تهییج شده اند و به هم پیوسته اند. کسی در درون حکومت جرات ندارد به گوشه ای از این سیاستها خللی وارد کند. این مشکل اساسی و هویتی جمهوری اسلامی است و تا زمانی

که این حکومت هست، این سیاستهای بحران آفرین را نیز با خود حمل خواهد کرد. برخلاف آنچه که بعضی ها تصور میکنند که گویا سازش بین المللی توازن داخلی را هم بنفع حکومت تغییر خواهد داد، برعکس با امضای برجام و آزاد شدن داراییهای بلوکه شدن ایران، بهانه ها از حکومت گرفته میشود و مردم متعرض تر و حق طلب تر خواهند شد. بهانه تحریمها و فشار آمریکا و پول نداریم و غیره بدرجه ای از حکومت گرفته میشود و کارگران، معلمان، بازنشستگان و همه حقوق بگیران صدایشان بلند تر میشود که دیگر حاضر به زندگی در زیر خط فقر نیستیم. حقوقهای نجومی را قطع کنید و طلبهای ما را بدهید و خلاصه جنگ و جدال در داخل به زبان حکومت گسترش خواهد یافت. هم اکنون جدال کارگران و بازنشستگان و معلمان و زنان با سیستم حاکم بسیار گسترده و علنی دارد به پیش میرود. به نحوی که یکی از

حکومتی ها گفته بود که این روزها آخوندها مجبورند با لباس میدل از خانه بیرون بروند که مورد تعرض مردم قرار نگیرند. بعلاوه اقتصاد جمهوری اسلامی در ورشکستگی کامل است و در حال فروپاشی است و با بن بست سیاسی حکومت، بحران جدی تری گریبان حکومت را گرفته است. در این شرایط مبارزات اجتماعی گلوی حکومت را محکم تر از قبل خواهد فشرد. مبارزاتی که بارها نشان داده است که از نظر ابعاد، عمق و خواستههای فوری ظرفیت فراتر رفتن سریع به سمت خیزش های سرنگونی طلبانه را کاملاً داراست. خطر مهلکی که جمهوری اسلامی را تهدید میکند و به این سادگیها دست از سرش بر نمیدارد اینجاست. بگیر و ببندها هم تا کنون نشان داده است که کمک چندانی به این حکومت نکرده است و نخواهد کرد.

بودجه چند هزار میلیاردی برای "ساترا" سازمان سانسور حکومت



محمد شکوهی

وب سایت تجارت نیوز این هفته گزارش داد "سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر فضای مجازی"، که از آن با عنوان اختصاری "ساترا" اسم برده میشود، سال آینده، ۱۱ هزار میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان بودجه دریافت میکند تا این سازمان که زیرمجموعه صدا و سیما است بر "محتوای تولید شده در فضای مجازی نظارت کند". این رقم معادل سه ماه یارانه نقدی کل جمعیت کشور است!

در خبر دیگر دولت بودجه سال آینده وزارت ارتباطات را از ۵ هزار میلیارد تومان به ۱۴ هزار میلیارد تومان افزایش داده که ۹ هزار میلیارد تومان آن برای طراحی و راه اندازی شبکه اینترنت ملی "حکومت است. مرکز پژوهش‌های مجلس در اردیبهشت امسال برآورد کرده بود تا سال گذشته حدود ۱۹ هزار میلیارد تومان صرف ایجاد "اینترنت ملی" شده که عملاً پیشرفت و کارایی نداشته است.

نگاهی به بودجه‌های هنگفت هزاران میلیاردی برای تشدید سانسور، فیلترینگ و کنترل فضای مجازی نشان می‌دهد که کل نظام چه ترس و وحشتی از گسترش اینترنت و استفاده مردم از آن به عنوان ابزار دسترسی به اطلاعات و اخبار آزاد و بدون سانسور، و بخشا استفاده از آن بعنوان ابزاری برای مبارزه با حکومت دارند.

تلاش‌های یک دهه گذشته حکومت برای اعمال هر گونه سانسور فضای مجازی رسماً و عملاً به اعتراف خود حکومت شکست خورده است. با شکست سیاستهای حکومت در مقابله با اینترنت و استفاده هر چه بیشتر مردم از آن، حکومت سودای "شبکه اینترنت ملی" (بخوان اینترنت سانسور شده و حکومتی بدون ارتباط با جهان) را در سر داشته و هزاران میلیارد تومان بودجه به این طرح اختصاص داده است.

تا همینجا اگر فقط همین ارقامی را که اعلام کرده اند جمع کنیم به رقمی بالای ۲۵ هزار میلیارد تومان می‌رسیم. که از سه ماه یارانه کل کشور که تجارت نیوز مطرح کرده بسیار فراتر می‌رود.

در جریان بررسی و اختصاص این بودجه‌های کلان برای تشدید سانسور و کنترل فضای مجازی، مشخصاً به نقش "ساترا" در نظارت بر محتوای تولید شده در فضای مجازی تاکید شده است. یعنی علاوه بر همه تلاش‌ها و تقلای حکومت برای کند کردن اینترنت، ایجاد اختلال، سانسور و...، قرار است این سازمان نقش متمیزی و تأیید و رد محتوای تولید شده توسط کاربران و سانسور مورد نظر حکومت در اینترنت را نیز فعالتر از قبل به پیش ببرد. برای این کار حکومت باید به تکنیک و امکانات کنترل و ورود به اطلاعات شخصی کاربران را فراهم بیاورد و سربازان سایبری امام زمانش را در چهار راههای ارتباطی مستقر کند، تا زمینه دسترسی اش به صفحات و ارتباطات مردم در مدیای اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی را فراهم کرده و اقدام به حذف و سانسور، بعضاً شناسایی و دستگیری فعالان سیاسی و مردم در مدیای اجتماعی نماید. لازم به توضیح است که شرکت

های ارتباطاتی چینی و روسی مشغول پیاده سازی اینترنت مورد نظر حکومت هستند.

بطور ویژه تر "ساترا" در سالهای اخیر که زیر مجموعه سازمان صدا و سیما می‌باشد، تبدیل به سازمانی عریض و طویل با بودجه‌های هنگفت برای تشدید سانسور، حذف و فیلترینگ، بویژه روی فیلم و کلیپ و پیام‌های تصویری و صوتی متمرکز خواهد شد. تلاش برای سانسور اینستاگرام نیز در جریان است که تا کنون حکومت موفق نشده آنرا عملی کند.

این طرحی است که حکومت در کنار طرح دیگرش، معروف به طرح "صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی"، که چیزی جز تشدید سانسور و فیلترینگ و ایجاد محدودیت و شناسایی کاربران در استفاده از مدیای اجتماعی نیست، در نظر دارد پیش ببرد. البته در هفته‌های اخیر حول همین طرح صیانت کشمکش و دعوای حکومتی داغ شده و باعث شده این طرح را دوباره بررسی بکنند. از طرف دیگر کارزار مخالفت با طرح صیانت راه افتاده که بیش از یک میلیون امضا گرفته است. این امر بیانگر مخالفت گسترده اقشار مختلف مردم با سیاستهای ایجاد محدودیت و سانسور در فضای مجازی است.

اما وای اینکه حکومت چه طرح و نقشه‌هایی برای سانسور فضای مجازی دارد، یک واقعیت غیر قابل انکار است و آن مقاومت و مبارزه مردم برعلیه همه سیاستهای سانسور و فیلترینگ فضای مجازی است. بطور واقعی یک جنگ تمام عیار بین حکومت جهل، سانسور و سرکوب در فضای مجازی و در مدیای اجتماعی در جریان است. و تا همین الان حکومت بازنده این جنگ بوده است.

بیشترین تقلا و طرح‌ها را به کار می‌گیرد.

راه اندازی "ساترا" در کنار دهها نهاد و ارگان سرکوب و سانسور با صرف هزینه‌های هزاران میلیاردی، نظیر تمام سیاستهای سرکوبگرانه حکومت در دو دهه گذشته قطعاً راه به جایی نخواهد برد و تمام شواهد جامعه نشان میدهد که محکوم به شکست است. مقاومت و مبارزه مردم مانع اصلی بر سر راه متحقق شدن این طرح‌های حکومت است. مردم همه این سیاستها را دور زده و حکومت را با مخمصه بزرگی روبرو کرده‌اند. بساط سانسور، فیلترینگ، اعمال کنترل حکومتی بر فضای مجازی باید بر چیده شود.

۱۶ مارس ۲۰۲۲

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه‌ها منتشر می‌شود.

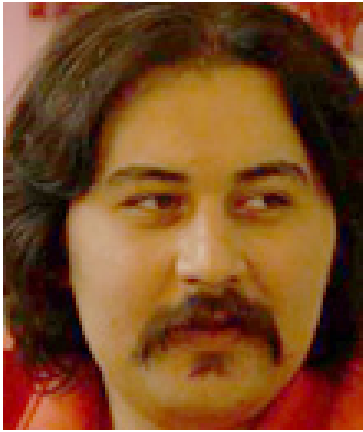
فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpIran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

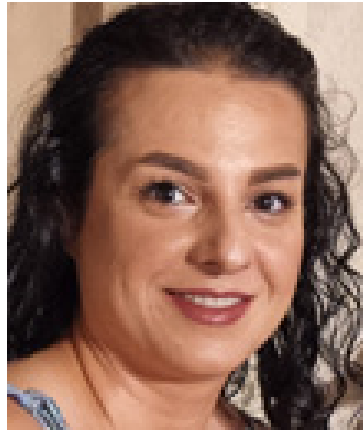
تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

وبسایت: www.wpIran.org

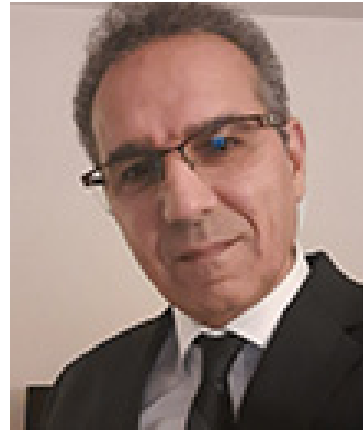
اعلام تاسیس تشکیلات اسکاندیناوی حزب کمونیست کارگری



میلاد رابعی



سروناز سینایی



امیر توکلی

در روز ۲۷ فوریه کنفرانسی متشکل از کادرها و اعضای حزب در اسکاندیناوی به شکل آنلاین برگزار شد. در این کنفرانس که رفقا حمید تقوایی لیبر حزب، اصغر کریمی رئیس هیات اجرایی و سیاوش مدرسی دبیر کمیته خارج کشور حزب هم شرکت داشتند، بر اهمیت و ضرورت ایجاد تشکیلاتی که همه فعالین حزب در سوئد، دانمارک، نروژ و فنلاند را در بر بگیرد تاکید شد و اتفاق نظر جمعی برای دور جدیدی از فعالیت تحت عنوان تشکیلات اسکاندیناوی حزب بوجود آمد.



ابوذر صلح جو



سوسن صابری



هرمز رها

در این کنفرانس این رفقا بعنوان اعضای کمیته اسکاندیناوی حزب انتخاب شدند:

امیر توکلی، سروناز سینایی، میلاد رابعی، هرمز رها، سوسن صابری، ابوذر صلح جو، حسن صالحی، مهین علیپور، اندیشه علیشاهی، اسماعیل مردوخی، سارا نخعی.



اندیشه علیشاهی



مهین علیپور



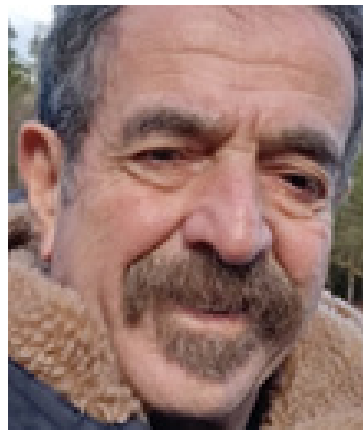
حسن صالحی

کمیته منتخب سپس حسن صالحی را بعنوان دبیر و ابوذر صلحجو را بعنوان خزانه دار و مسئول مالی انتخاب کرد.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تبریک و شادباش به اولین کمیته اسکاندیناوی حزب و رفقا حسن صالحی دبیر کمیته و ابوذر صلحجو مسئول مالی کمیته و با اطمینان اینکه فعالیت حزبی ما در اسکاندیناوی شاهد شکوفایی و توسعه هرچه بیشتر خواهد بود دست یکایک فعالین حزب در اسکاندیناوی را به گرمی میفشارد و برای همه این عزیزان آرزوی موفقیت دارد.



سارا نخعی



اسماعیل مردوخی

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ مارس ۲۰۲۲

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

“تبلیغات را باور نکنید. اینجا به شما دروغ می گویند”



مخفی کند و در عین حال با ایجاد فضای رعب و سرکوب در جامعه، احتمال خیز گرفتن اعتراضات مردم روسیه را کاهش دهد.

انقلاب زنانه

چنین حرکت جسورانه ای از سوی این زن شجاع در حالی اتفاق می افتد که ولادیمیر پوتین عمده راههای دسترسی به شبکه های اجتماعی جهانی را مسدود یا محدود کرده تا آنچه در #وکراین رخ می دهد را از دید مردم روسیه

یکی از کارمندان کانال یک تلویزیون دولتی #روسیه با در دست داشتن یک تابلوی ضد جنگ، پخش زنده خبر را قطع کرد و این مساله تا به این لحظه واکنش گسترده ای در شبکه های اجتماعی دنیا داشته است.

در زندان اوین سپری کردم؛ اما مجدداً به زندان قرچک منتقل شدم و مادرم همچنان در زندان اوین به سر می برد.

اکثر زندانیان، هنگامی که وارد زندان می شوند با توجه به تجربیاتی که کسب می کنند، خود را بهتر خواهند شناخت و ممکن است نسبت به عملکرد خود تجدیدنظر کرده و در مسیر بهتری در راستای مبارزه قدم بگذارند.

صبا کرد افشاری در صفحه اینستاگرام خود متنی نوشته است که در اعتراض به گرانی در مرداد ۹۷ به زندان افتاده است و مایل نیست صرفاً به عنوان معترض به حجاب معرفی شود. در واقع میگوید نه تنها به حجاب اجباری اعتراض دارد بلکه به سایر ظلم ها و بیعدالتی ها نیز معترض است.

متن نوشته صبا کرد افشاری:

در دوره ی زندان، من هم دچار این روشن بینی شدم و با گذشت زمان و کسب تجربه به این نتیجه رسیدم که صرفاً در یک حوزه فعال نباشم و اساساً تمایلی ندارم همه دوستان و عزیزانی که دغدغه ی زندانیان سیاسی را دارند، آنها را فقط به یک عنوان بشناسند.

سلام دوستان و همراهان عزیز

من، صبا کرد افشاری، نخستین بار، مرداد ۱۳۹۷ به دلیل اعتراض به گرانی اقلام ضروری، در تهران مقابل تئاتر شهر (پارک دانشجو) بازداشت و به یک سال حبس محکوم شدم و در بهمن همان سال از زندان اوین آزاد شدم.

پس از آزادی، بنا بر مشاهداتم از وضعیت زندان ها و زندانیان، در راستای حقوق زندانیان و اطلاع رسانی در خصوص وضعیت آنها و همچنین حقوق زنان از جمله مخالفت با حجاب اجباری فعال بودم؛ اما پس از سه ماه مجدداً بازداشت شدم و این بار به دلیل همه این فعالیت ها به ۲۴ سال حبس محکوم شدم. مدتی را با مادرم #راحله احمدی که به دلیل حمایت از من و دوستانم در بند زنان زندان اوین است،



حکومتی است و رانتخواری و قاچاق و دزدی باندهای حکومتی سهمیم در واردات برنج، یک عامل مهم گرانی برنج است.

جمهوری اسلامی و اقتصاد مافیایی و بازار و واردات و صادرات و همه جای این نظام یک دزدبازار به معنی واقعی کلمه است.

است که از حدود دو سال قبل از لیست ارز ۴۲۰۰ تومانی خارج شده و با ارز نیمایی که نزدیک به بازار آزاد است، وارد می شود.

همین خبر نشان می دهد که ماجرای حذف ارز دولتی برای واردات برنج و اختصاص ارز نیمایی به آن، یک دلیل مهم گرانی برنج تا مرز ۹۵ درصد است.

“ارز نیمایی” یک منبع درآمد کلان برای صادر کنندگان و وارد کنندگان باندهای

رسانه های حکومتی گزارش داده اند وارات برنج در ۱۱ ماهه سال جاری به بیش از ۱.۱ میلیارد دلار رسیده که بیشترین حجم کالای وارداتی با “ارز نیمایی، سامانه معروف به نظام یکپارچه معاملات ارزی” است.

طبق گزارش مرکز آمار جمهوری اسلامی قیمت برنج در مقایسه با سال گذشته حدود ۹۵ درصد گران شده و افزایش قیمتی تا حدود ۹۰ هزار تومانی داشته است. برنج از جمله اقلام اساسی مردم

در حقیقت لازم دیدم اعلام کنم، بنده تنها در زمینه ی مخالفت با حجاب اجباری فعال نبودم! این قبیل انحصارطلبی ها باعث می شود تا دیگر فعالیتهای من و زندانیانی همچون من، آن گونه که باید مورد توجه قرار نگیرد.

به امید آزادی و روزهای بهتر

#صبا_کردافشاری

۱۴ مارس ۲۰۲۲

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۲

”به زن‌ها رو بدی، کل کشور رو تصرف می‌کنند“



انقلاب زنانه معتقد است در صحبت‌های زن ستیزانه استاندار خراسان شمالی یک واقعیت نهفته است؛ وحشت جمهوری اسلامی از حضور زنان در جامعه

به گفته وبسایت انتخاب، سعید پیرزاده فعال رسانه ای با انتشار این ویدیو نوشت: «حسین نژاد استاندار خراسان شمالی در جلسه صبح امروز هنگامی که فکر می‌کرد میکروفنش خاموش است می‌گوید: به این زن‌ها رو بدهید کل کشور را تصرف می‌کنند!»

این شماری از زنان در سالن که وی اشاره میکند معلوم نیست چه کسانی هستند، ولی آن مقاومت و تلاشی که زنان پیشرو و رادیکال و مبارز ایران در این چهار دهه کرده اند، کابوس بزرگی برای حکومت است، بله روزی

نوشته ای از سهیل عربی در باره حکم اعدام زندانی سیاسی فیروز موسی لو



او در جایی زاده شد و رشد کرد که باید از کودکی کار کرد و کمک خرج خانواده بود،

در اوج محرومیت‌ها، در دل فقر گرفتاری و سوخته در تبعیض و بی توجهی... اعدام محکوم شده است.

تازه در زندان وقت کرد که خواندن و نوشتن یاد بگیرد،

فیروز موسی‌لو در ۲۱ تیرماه ۹۹ پس از دریافت امان‌نامه توسط سپاه پاسداران در مرز سردشت خود را به نیروهای امنیتی تسلیم کرده بود.

معلمش می گوید، بسیار باهوش، پرتلاش و با پشتکار است، می خواهد زبان انگلیسی و ریاضیات را هم به خوبی یاد بگیرد...

محکوم به اعدام شده،

بی آنکه به گذشته اش نگاه شود، بی آنکه بپرسند به او و امثال او چه داده ایم که این قدر از آنها توقع داریم؟

آیا اگر او فرصت تحصیل و زیست طبیعی داشت، مسیر زندگی اش تغییر نمی کرد؟

اگر پاسخ اعتراض، و دادخواهی بدون اسلحه را با گلوله و حبس ندهید، چرا باید اسلحه به دست گرفته شود؟

خبر ناقص است و دردناک:

#فیروز_موسی‌لو، به اعدام

او نهایتاً روز ۱۳ دی ماه ۹۹ پس از پنج ماه و ۱۰ روز و اتمام مراحل بازجویی از بازداشتگاه اطلاعات

سپاه ارومیه به بند سیاسی #زندانب_مرکزی_ارومیه منتقل و از آن زمان بلاتکلیف و بدون حق استفاده از مرخصی در این زندان نگهداری می‌شود که طبق اطلاعات رسیده و تایید آن توسط شبکه حقوق بشر کردستان طی چند روز گذشته به اتهام #محرابه به اعدام محکوم شده است.

خبر ناقص است!

در هیچ یک از این بنگاه های پخش خبر به آنچه بر فیروز ها گذشت که به اینجا رسیدند، اشاره ای نمی شود،

هیچ قاضی و بازجویی به روند زندگی فیروزها نمی اندیشد،

فقط مجازات

مجازات

مجازات

و دریغ از آسیب شناسی و توجه به زندگی دور از مرکز ها...

#اعدام_نکنید

نان آور خانواده است،

جوان است و شیفته ی یاد

ما زندگی خرابی داشته ایم!

گرفتن...

اعدام نکنید،

زندگی را تعمیر کنید!

سایت خبری روزنه

www.rowzane.com

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

اطلاعیه های حزب

است که جانینان اسلامی با جان زندانی بازی میکنند. نباید اجازه داد که داستان بکتاش آبتین تکرار شود. هم اکنون کارزاری برای نجات جان سپیده قلیان و آزادی او در جریان است. یک خواست فوری کارگران نیشکر هفت تپه آزادی بدون قید و شرط اوست. باید وسیعا به این کارزارها پیوست. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش میکند که صدای سپیده قلیان و قلیانها در سطح جهان باشد. جمهوری اسلامی در قبال جان زندانیان مسئول است. سپیده قلیان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.



جان سپیده قلیان همچنان در خطر است

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
Shahla.daneshfar2@gmail.com
https://free-them-now.com
۲۳ اسفند ۱۴۰۰، ۱۴ مارس ۲۰۲۲

جنایتکارانه حکومت اسلامی در قبال زندانیان سیاسی و قتل خاموش زندانی است. نمونه آشکار آن قتل بکتاش آبتین بود و به اعتراضی گسترده تبدیل شد. بنا به گفته‌ی برادر سپیده قلیان با وجود طی کردن تمام کارهای اداری و امضای برگه‌ی مرخصی توسط قاضی پرونده، ماموران از دادن مرخصی به وی سر باز زده‌اند. این چنین

سپیده قلیان از بازداشت شدگان اعتراضات کارگری در نیشکر هفت تپه است که در اول تیرماه ر ۱۳۹۹ جهت اجرای ۵ سال حکم خود راهی زندان شد. او در زندان نیز ساکت نمانده و همواره صدای اعتراض زندانیان در بند بوده است. خودداری از سیاست زندانی بخشی از سیاست

هم می‌تواند او را از پا در بیاورد».

قبلا نیز خانواده سپیده اعلام کرده بودند که فرزندشان پس از همه‌گیری دوباره‌ی ویروس کرونا در بند زنان زندان اوین بار دیگر به این بیماری مبتلا شده است و علیرغم آن مامورین زندان از دادن مرخصی استعلاجی به وی خودداری کرده‌اند.

روز ۱۵ اسفند ۱۴۰۰ برادر سپیده قلیان از وخامت شرایط جسمی خواهرش خبر داد. مهدی قلیان در صفحه‌ی اینستاگرامش نوشته است: «تن سپیده در تبعیدها و اعتصاب غذاها و فشارهای مداوم این چند ساله و با وجود بیماری‌های درمان‌نشده چنان نامقاوم شده است که حتی یک سرماخوردگی

از کمپین جهانی برای نجات چهار فعال عراقی از اعدام حمایت می‌کنیم!



عراقی خواهان لغو فوری احکام اعدام آنها و آزادی فوری آنها هستیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۳ اسفند - ۱۴۰۰ ۱۴ مارس ۲۰۲۲

دادگاه صالح و در جریان یک دادرسی عادلانه اثبات شده باشد معنایی جز انتقامجویی دولت و دستگاه قضایی عراق از مردم معترض ندارد.

ما اعدام را به هر دلیل و بهانه ای یک مجازات ضد انسانی میدانیم و خواهان لغو این مجازات شیعی هستیم. ما ضمن حمایت از کمپین جهانی برای نجات این چهار فعال معترض

نفر معترض دستگیر شده در زندانها مورد شکنجه قرار گرفته‌اند و از سرنوشت شماری از آنها همچنان اطلاعی در دست نیست.

در شرایطی که هیچکدام از سرکوبگران مردم آزادیخواه یا حق طلب عراق به جزای اعمالشان نرسیده‌اند، صدور حکم اعدام برای چهار معترض حتی اگر اتهام آنها در یک

آنچه که به دنبال شروع اعتراضات از اکتبر سال ۲۰۱۹ ما شاهد آن بوده ایم رفتار خشونت آمیز دولت عراق با مردمی بوده است که علیه فساد و بی حقوقی و شرایط بد کار و زندگی در عراق به خیابانها آمده‌اند. در جریان اعتراضات مردم عراق بیش از ۸۰۰ نفر از مردم معترض و فعالین سیاسی کشته و یا ترور و بیش از ۲۵۰۰۰ تظاهرکننده نیز زخمی شده‌اند. صدها

بنا به اطلاعیه سازمان لغو مجازات اعدام در عراق چهار تن از فعالین اعتراضات عراق که «انقلاب اکتبر» نام گرفته است طبق حکمی از سوی دادگاه کیفری کوت به اعدام محکوم شده‌اند. این حکم روز پنجشنبه ۱۰ مارس ۲۰۲۲ اعلام شد. اسامی فعالینی که به اعدام محکوم شده‌اند بدین قرار است: محمد عطیه حسین، عباسعلی عزیز، کاظم هادی کاظم و حسین صدام هاشم. این چهار تن متهم شده‌اند که در جریان اعتراضات به قطع مکرر برق یک پلیس را به قتل رسانده‌اند.

کمیته بین المللی علیه اعدام صدور احکام اعدام برای این چهار معترض عراقی را محکوم می‌کند.

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۴

تلخیصی از چند اطلاعیه خبری حزب

معلمان خوزستان این بار هم همکاران خود را تا محل دادگاه همراهی کردند

امروز ۲۵ اسفند جمعی از معلمان خوزستان به عنوان اعلام همبستگی، ۵ نفر از همکاران خود را که ز سوی شعبه ۱۲ بازپرسی دادگاه اهواز احضار شده بودند همراهی کردند. معلمان احضار شده به اسامی بهینیا بهمنی نژاد، شهریار شیروانی، سیامک چهارزی، اقبال تامرادی و کوکب بداعی در این روز در بازپرسی اسلامی حاضر شدند اما برگزاری جلسه دادگاه کذایی به بعد از تعطیلات نوروز موکول گردید. قبل از آن نیز در هفدهم اسفند معلمان این شهر در اعتراض به احضار همکاران خود به دادگاه با راهپیمایی سه همکار خود فرنگیس نسیم پور، علی کروشات و پیروز نامی را تا محل دادگاه همراهی کردند. تبدیل محل دادگاهها به محل تجمع اعتراضی شکل نوبنی از اعتراض علیه پرونده سازی های امنیتی و دادگاهی کردن فعالین معترض و مطالبه گر است که معلمان پیشتاز آن هستند. نظیر همین حرکت اعتراضی در قزوین در جریان برگزاری دادگاه برای سه معلم معترض این شهر به اسامی مریم زیرک، آقایان اسماعیل فرهنگ منش و علی اله بخش و در رودسر در ۲۱ اسفند در جریان دادگاهی شدن عزیز قاسم زاده از معلمان این شهر انجام گرفت. در رودسر جمعیت بزرگی از معلمان که از چندین شهر استان برای همراهی با همکار خود آمده بودند در مقابل دادگاه تجمع کردند.

معلمان با اعلام همبستگی و همراهی با همکاران احضار شده خود، در برابر سرکوبگری های حکومت ایستاده و پیگیر مطالبات خود هستند. معلمان بارها اعلام کرده اند که این سرکوبگری ها آنها را مرعوب نخواهد کرد و مصمم تر

پیگیر خواسته های برحق خود هستند. یدین ترتیب معلمان الگویی برای همه بخش های معترض در سطح جامعه علیه سرکوبگری های حکومت ارائه میدهند.

حزب کمونیست کارگری از خواسته ها و مبارزات معلمان قاطعانه حمایت میکند. پرونده سازی ها علیه معلمان باید فوراً متوقف شود، پرونده های تشکیل شده باطل گردد و معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد و مخابرات

روز ۲۲ اسفند بازنشستگان تامین اجتماعی برای پیگیری مطالبات خود و در ادامه "یکشنبه های اعتراض" در شهرهای مختلفی چون کرمانشاه، رشت، تبریز و اردبیل تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان با شعار فریاد، فریاد، از اینهه بیداد صدای اعتراضشان را بلند کردند. این تجمعات مقابل ادارات تامین اجتماعی برگزار شد.

تعیین مزد بر مبنای هزینه های واقعی زندگی و متناسب با هزینه واقعی سید معیشت خانوار و افزایش آن طبق تورم واقعی، بیمه درمانی کارآمد و رایگان، پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و برگرداندن پولهای به سرقت رفته به این صندوق، پرداخت عیدی برابر دو ماه حقوق و آزادی اسماعیل گرامی و دیگر زندانیان سیاسی از جمله خواسته های اعلام شده بازنشستگان تامین اجتماعی در قطعنامه هایشان است.

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد مثل هفته های گذشته و با مطالبات مشابه بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای تهران، اصفهان و دامغان در مقابل

دفاتر صندوق بازنشستگی تجمع داشتند و پیگیر مطالباتشان شدند.

تجمع دیگر در این روز از سوی بازنشستگان مخابرات در تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان و وضعیت نامناسب معیشتی و مستمری های نازل، برگزار شد. آنها در این روز با راهپیمایی بسوی وزارت مخابرات رفته و آنجا گرد آمدند و شعارهای اعتراضی خود را سر دادند. شعارهای اعتراضی آنها از جمله عبارتند بودند از "وزیر بی لیاقت، استعفا، استعفا"، "فریاد، فریاد، از اینهه بیداد"، "روزنامه، رسانه، کجائید، به داد ما بیایید"، "اجرای آیین نامه حق مسلم ماست. تجمع قبلی بازنشستگان مخابرات بطور سراسری و در پانزده شهر در هفدهم اسفند برگزار شد.

بازنشستگان نفت با خشم و اعتراض تجمع کردند

بنا به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز ۲۳ اسفند کارگران بازنشسته نفت در چندین شهر تجمع کردند و برای پیگیری مطالبات فوری خود دست به اعتراض زدند. این تجمعات از جمله در شهرهای تهران، اصفهان، شیراز و شاهین شهر برگزار شد. در تهران یکی از کارگران بازنشسته با خشم و عصبانیت نسبت به حقوقهای پایین اعتراض میکند و میگوید حقوق بازنشستگان نفت در ردیف شانزدهم قرار دارد. او ادامه میدهد که "اینها کی هستند که باید در مورد زندگی ما تصمیم بگیرند؟ ما در سال ۵۷ جلوی رژیم (شاه) ایستادیم و رژیم را عوض کردیم. الان هم باید جلوی اینها بایستیم."

خواسته های فوری کارگران بازنشسته نفت عبارتند از بهبود وضع مستمریها، پرداخت تمام معوقات مزدی ده درصد سال ۹۹، همسانسازی حقوق بازنشستگان و بازماندگان هم

سطح شاغلین.

از خواسته ها و اعتراضات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت کرد. اعتراضات بازنشستگان میتواند در پیوند با اعتراضات کارگران شاغل و معلمان و دیگر بخشهای حقوق بگیر جامعه یک جنبش وسیع و قدرتمند علیه چپاول و اختلاسها و تبعیضات را به جریان بیندازد و توطئه مفتخوران حاکم برای تشدید زندگی زیر فقر به بخشهای مختلف طبقه کارگر را خنثی نماید. بویژه با توجه به تعیین دستمزد ریاضتی و نازل برای سال ۱۴۰۱، بهم پیوستن اعتراضات بازنشستگان و شاغلین و معلمان و پرستاران یک ضرورت حیاتی برای مقابله با چشم انداز محرومیت و فقری است که حکومت اسلامی سرمایه داران میخواهد به همه بخشهای کارگری و اکثر حقوق بگیران تحمیل نماید.

اعتصاب کارگران پروژه ای شرکت ایده سازان و جهانپارس در نفت و دو خبر دیگر

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز شنبه ۲۱ اسفند کارگران پروژه ای نفت شاغل در شرکت ایده سازان صدف و نیز کارگران پروژه ای شرکت جهانپارس (آینده سازان) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دیمه و بهمن ماه خود دست از کار کشیدند. بنا بر خبر با توجه به اینکه پیمانکاران در تصمیمی متحد نقشه موکول کردن پرداخت مزد سه ماه آخر سال کارگران به سال ۱۴۰۱ را کشیده اند، اعتصاب بخاطر عدم پرداخت دستمزدهای سه ماه آخر سال در میان کارگران نفت گسترده است و استارت آن با فراخوانی که از سوی این کارگران به اعتراضات سراسری برسر این موضوع داده شده بود، از پانزدهم اسفند زده شد.

روز شنبه ۲۱ اسفند جمعی از کارگران شاغل در نهادها و شرکت های تابعه دولت در مخالفت با نحوه محاسبه افزایش حقوق سال آینده در بودجه ۱۴۰۱ مقابل مجلس اسلامی تجمع اعتراضی برپا کردند. اعتراض این کارگران مشخصاً به بند ۱-۴ تبصره ۱۲ بودجه ۱۴۰۱ در خصوص افزایش تنها ۱۰ درصد به حقوق کارگران دولتی است که به معنای تحمیل فقر و فلاکت بیش از قبل به زندگی این کارگران است. گفتنی است که کارگران مشمول قانون کار شاغل در دستگاه های دولتی سابقاً از افزایش حقوق سالانه مصوب در شورای عالی کار برخوردار می شدند اما در لایحه بودجه ای که دولت برای سال ۱۴۰۱ تدوین کرده، این کارگران مشمول افزایش حقوق ده درصدی خواهند شد و دیگر مشمول حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار که خود موضوع اعتراض کارگران است نیز نخواهند

شد در نتیجه میزان دریافتی آنها از دیگر بخشهای کارگری کمتر خواهد بود. خواست این کارگران حذف این بند ریاضتی از لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ و افزایش دستمزدها منطبق بر نرخ واقعی سید معیشت خانوار است. این کارگران قبلاً نیز در این رابطه در چهارم اسفند ماه تجمع داشتند.

روز شنبه ۲۱ اسفند کارکنان وزارت جهاد کشاورزی شهرهای سلسله، مهاباد و سنقر در اعتراض به عدم تصویب طرح تسری فوق العاده خاص این وزارت و وضعیت نامناسب معیشتی خود و عدم همخوانی دریافتی هایشان با نرخ تورم و گرانی ها در مقابل ساختمان مدیریت جهاد کشاورزی دست به تجمع زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ اسفند ۱۴۰۰، ۱۶ مارس
۲۰۲۲